

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷

#### حدیث مورد بحث

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ "أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ... شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ"

#### عدم درک فرشتگان نسبت به مفهوم خلیفه‌الله

خدای متعال در خلقت حضرت آدم علی‌نبینا و آله‌وعلیه‌السلام حکمتی را لحاظ فرموده است که فرشتگان و ملائکه نسبت به آن حکمت جاهل و نادان بودند. هنگامی که خدای متعال به صورت اشاره و اجمال به آن‌ها فرمود: من اراده دارم در زمین خلیفه‌الله خلق کنم، به خدای متعال عرض کردند ما خود، تو را حمد و ستایش می‌کنیم. آن‌ها یک مفهوم مبین و روشنی از جمله‌ی خلیفه‌الله نداشتند و نمی‌دانستند که هدف از خلقت انسان چیست. حق تعالی اراده فرموده بود که خلقت حضرت آدم به گونه‌ای خاص باشد که با خلقت فرشتگان متفاوت بود.

حضرت آدم علی‌نبینا و آله‌وعلیه‌السلام یک موجود دوبعدی بود. یک بُعد حضرت آدم به سوی حیوانیت حرکت می‌کرد. حیوانیت دو محور دارد و آن دو محور غریزه‌ی غضب و شهوت است. بُعد دیگر انسان بُعد الهی است که از ناحیه‌ی روحی که در او دمیده شده در حرکت و تکامل و رشد است. این موجود دوبعدی برای فرشتگان حق تعالی یک موجود پیچیده‌ای تلقی می‌شد که نمی‌توانستند تصور کنند در آینده چه خواهد شد.

شیطان از بنی‌جان و اجنه است و به دلیل کبری که از او نسبت به حق تعالی ظاهر شد، مشخص می‌شود که باطن پاکیزه‌ای نداشته است. کبر از صفات رذیله است و با بندگی و عبودیت انسان نسبت به حق تعالی سازگاری ندارد. خدای متعال می‌فرماید: «فَفَسَّقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ»، او از صف بندگان مطیع حق تعالی خارج شد. این موجود که رجیم و رانده شده‌ی از درگاه حق تعالی است، به خدای متعال عرض می‌کند که به موجب این حکم تو نسبت به من که من رانده شده‌ی درگاه تو هستم، فرزندان این آدم را از راه بندگی منحرف می‌کنم. خدای متعال برای این‌که فرزندان حضرت آدم علی‌نبینا و آله‌وعلیه‌السلام محکوم و مقهور شیطان نشوند، عوامل بسیاری را ایجاد فرمود که هر کدام می‌توانستند فرزندان حضرت آدم را از اغوا و گمراهی شیطان حفظ کنند، و مسیرشان همان مسیر اطاعت و بندگی حق تعالی باشد و به رشد و کمال خود برسند.

نعمت‌هایی که حق تعالی در جهان هستی ایجاد فرمود، بعضی مادی و مرئی و قابل رؤیت و لمس، مانند خوراکی‌ها و پوشاکی‌ها هستند. جسم انسان از آن نعمت‌ها لذت می‌برد و انسان می‌تواند از آن نعمت‌ها استفاده‌ی بهینه کند و آن‌ها را در راه نامشروع مصرف نکند، یا می‌تواند هدایت حق تعالی را زیر پا بگذارد و اطاعت از شیطان کند.

#### زمان‌ها و مکان‌های خاص ارتباط با حق تعالی، از نعمت‌های بزرگ معنوی

برای روشن شدن فرزندان حضرت آدم خدای متعال فقط یک بار به آن‌ها تذکر نداده، بلکه موجبات هدایت آن‌ها را بسیار خلق فرموده است. از جمله، زمان‌ها و مکان‌هایی است که از نعمت‌های بزرگ معنوی هستند. از بارزترین خصوصیت این نعمت‌های بزرگ این است که انسان را از غفلت دور و به حق تعالی و قیامت متوجه می‌کنند؛ قهرأ شیطان هم از انسان دور می‌شود. خدای متعال در دنیا اماکن متبرکه‌ای قرار داده است. دین مقدس اسلام هم با تعبیرات مختلف برای این اماکن امتیاز قائل شده است، که اگر انسان در این اماکن حضور پیدا کند، خدای متعال به او اجرهای فراوانی عطا می‌کند. زیارت خانه‌ی خدا رفتن، زیارت ائمه صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین رفتن، زیارت اولیای غیر معصوم خدا رفتن، و یا امام‌زاده‌ها را زیارت کردن از این قبیل است.

در حین حضور در این اماکن، غالباً انسان در حال ذکر و توجه به حق تعالی است و غافل نیست. بعید است کسی که به مشهد یا عتبات مشرف می‌شود، هدف از سفر خود را از یاد ببرد و فراموش کند که کجا است و با همسفر خود از دنیا و پول و مقام و لذایذ حیوانی صحبت کند. این مقدار توجه، در رشد و کمال آن‌ها و در محفوظ ماندن آن‌ها از اغوای شیطان مؤثر است. حق تعالی با اراده‌ی تشریحی خود اراده فرموده است که فرزندان حضرت آدم به راحتی و به زودی گرفتار اغوا و گمراهی شیطان نشوند. موجبات هدایت، ذکر و به یاد آخرت و معنویت افتادن بسیار زیاد است، مگر این‌که انسان چشم خود را هم بگذارد، و آیات حق تعالی را نبیند.

آن مقدار زمانی که انسان از عمر خود صرف کرده و به این اماکن متبرکه مشرف شده است، در کمال و قوت روح او بسیار اثر دارد. این نکته غیر از اجر است. انسان به نیت اجر می‌رود، و به اثر تکوینی زیارت‌ها و تشریف‌ها توجه ندارد. افراد بسیار کمی وجود دارند

که پس از بازگشت، این تشرف هیچ اثری در روح آن‌ها نگذاشته باشد. اکثریت با کسانی است که این تشرف در روح آن‌ها اثر مثبت گذاشته، و طهارت و پاکیزگی روح‌شان، و قرب‌شان به حق تعالی بیش‌تر شده است.

اگر انسان با توجه به این نکات به یکی از این اماکن مشرف شود، متوجه می‌شود که موجبات هدایت در این اماکن بسیار زیاد است. در این اماکن سر و صداهای لهوی و حرام نمی‌شنود، بلکه قرآن یا زیارت می‌شنود، و اسماء الله و فضائل اهل‌بیت صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین که در این زیارات ذکر شده است، به گوش او می‌خورد که همه‌ی آن‌ها برای روح او اثر مثبت دارد. این امر غیر از اجری است که حق تعالی به زائر می‌دهد، و اهمیت این اثر مثبت که بسیاری از زائرین از آن غافل هستند از آن اجر خیلی بیش‌تر است.

علاوه بر اماکن، حق تعالی این حکمت را در مورد زمان‌هایی هم به کار برده است. اگر انسان به آن زمان‌ها توجه داشته باشد، غیر از آن اجری که حق تعالی به او می‌دهد، همین آثار تکوینی برای او وجود خواهد داشت. به عنوان مثال در شب جمعه، یا زمان‌های دیگر برای زیارت یکی از امامان صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین اجر مشخص شده است. اما از آن‌جا که اکثراً مردم غافل هستند این نکته ذکر نشده است که اگر انسان به این زیارت موفق شود، غیر از اجر، کمال و رشد روحانی هم پیدا می‌کند.

### توجیه انسان به اجر و ثواب، عامل بهره‌مندی او از کمال معنوی

با انسان غافل غیرمستقیم صحبت می‌شود. در علم اصول، در کفایه، ذکر شده است که فرد غافل را نمی‌توان تکلیف کرد، بلکه باید به عناوین دیگری او را مخاطب قرار داد، تا متوجه شود از نکته‌ای غفلت دارد. حق تعالی می‌بیند که نوع بندگان او از اثر تکوینی زیارت در کمال و رشد روحی خود غافل هستند، لذا روایاتی در مورد فضائل و ثواب‌های این زیارت‌ها از اولیای خدا و معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین وارد می‌شود تا بندگان غافل، با اجر و ثواب متوجه این حرکت شوند، اما نتیجه‌ی اساسی این حرکت رشد روحی و کمال معنوی است.

در خطبه‌ی شریفی که سیدبن طاووس رضوان‌الله‌تعالی‌علیه از کتاب بشارة‌المصطفی نقل می‌کند یکی از آن زمان‌ها یعنی ماه مبارک رمضان ذکر شده است. آن‌چه در فضائل ماه مبارک رمضان به عنوان ثواب، اجر، و آثار تکوینی دنیایی مانند برکت، رحمت، و مغفرت آمده است، برای این است که افراد نوعاً این مطالب را متوجه می‌شوند، اما در واقع این ماه شریف در روح انسان بسیار اثر می‌گذارد و موجب کمال و رشد معنوی او می‌شود. این نکته در اواخر خطبه، در سؤالی که امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه به مقام رسالت عرض می‌کنند معلوم می‌شود، در حالی که در اوائل خطبه، توجیه انسان‌هایی است که اکثراً از حرکت استکمالی و رشد معنوی خود غافل هستند. این افراد برای ثواب یا فرار از جهنم عبادت می‌کنند. این مطلب در فرمایشات معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین آمده است که عبادتی که حباً باشد و بدین ترتیب موجب کمال و رشد روحی فرد بشود، بسیار کم است.

یک نظر در مورد این خطبه‌ی شریفه این است که مقام رسالت آن‌را در آخرین جمعه‌ی ماه شعبان ایراد فرمودند. بعضی هم گفته‌اند که ایراد خطبه در آخرین روز ماه شعبان بوده است. نظر برخی دیگر این است که این روایت صراحت ندارد. حضرت در این خطبه مردم را به امتیاز و فضل ماه مبارک رمضان توجیه کرده‌اند. شروع خطبه با برکت، رحمت و مغفرت است که نوع انسان‌ها ابتدائاً متوجه آن می‌شوند. در ادامه‌ی خطبه، مطالب معنوی نامرئی و ناملموس بندگان مطرح می‌شود.

### تحت تاثیر قرار گرفتن انسان‌ها با تعبیر شهرالله

در این خطبه‌ی شریف کلمه‌ی شهر رمضان ذکر نشده و به طور کنایی که ابلغ از تصریح و سنگین‌تر از صراحت است، به آن اشاره شده است: "قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ". ماه خدا، یک مضمون بسیار بزرگ است. هرچند همه‌ی ماه‌ها ماه خدا است، اما هنگامی که مقام رسالت به جای نام بردن از نام این ماه، آن‌را شهرالله نامیده‌اند، شنونده تحت تاثیر قرار می‌گیرد. حق تعالی اراده فرموده است، که این ماه مبارک دارای آثار ویژه‌ای باشد. تنها در این ماه خواندن یک آیه از آیات شریفه‌ی قرآنی ثواب یک ختم قرآن را دارد. افرادی که به فرمایشات مقام رسالت گوش می‌کردند، انسان‌هایی غافل از حقایق نامرئی بودند. به انسان غافل نمی‌توان مستقیماً مطلبی را گفت که نسبت به آن غفلت دارد و باید از راه‌های دیگر او را توجیه کرد. باید این افراد به طمع رسیدن به ثواب و اجر، عملی را انجام دهند که بهترین اثر آن، متوجه کردن روح عمل‌کننده به حق تعالی و پاکیزه شدن از رذائل است.

اگر کسی تزکیه‌ی نفس نداشته باشد، معنی و حقیقت اخلاص و لله عمل کردن را هم نمی‌فهمد. اما اگر کسی مُرّکی شود، و آلودگی‌های نفس او از بین رود، و رذائل اخلاقی از او دور شود، معنی اخلاص را می‌فهمد. اگر کسی تزکیه‌ی نفس نداشته باشد، امکان ندارد عملی را لله انجام بدهد؛ زیرا معرفت این فرد که پایه‌ی توحید است، در حدی نیست که عمل را برای خدا انجام دهد. چنین فردی معرفت رقیقی دارد و عقیده‌اش این است که اگر آن عمل را انجام دهد، حق تعالی به او ثواب و اجر می‌دهد، و او را از

جهنم دور می‌کند، و به بهشت می‌برد، و از نعمت‌های بهشت برخوردار است. اما این آثار، اختصاص به مقام انسانیت و عبودیت انسان ندارد، بلکه حکمت حق تعالی اقتضا کرده است که با عناوین مختلف بندگان خود را در مسیر وارد کند تا تدریجاً تزکیه‌ی نفس برای ایشان حاصل شود. تزکیه که حاصل شد اخلاص پیدا می‌شود و کارِ الله انجام می‌گیرد.

مرحوم امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه می‌فرمود که من یاد ندارم که در عمر خود یک رکعت نماز برای خدا خوانده باشم. در روایات آمده است که اگر کسی یک رکعت نمازِ الله خوانده باشد سعادت‌مند است. فرمایش ایشان تعارف یا شکسته‌نفسی نبود. ایشان با آن مقام علمی و روحی خود این واقعیت را درک کرده و معتقد بود که غیر از حق تعالی موجودی دارای ارزش ذاتی نیست. این بیان، نشانه‌ی ممتاز بودن نسبت به سایرین است و هر کس چنین درکی ندارد.

در این خطبه‌ی شریف مقام رسالت مسلمان‌ها را تشویق و ترغیب کرده‌اند که به عشق عوارض و آثار و برکات این ماه مبارک و روزه‌ی در این ماه، به تزکیه برسند، و روح‌شان پاکیزه و آلودگی‌های آن برطرف شود که عملی که انجام می‌دهند الله باشد. بعضی افراد زود و بعضی‌ها دیرتر به این مرحله می‌رسند. اما بعضی دیگر تا آخر عمر هم به این مرحله نمی‌رسند. بنابر آیات کریمه و روایات بسیار، یکی از موانعی که مانع رسیدن بندگان حق تعالی به این مسیر روحانی و معنوی می‌شود، علاقه‌های به غیر حق تعالی است، یعنی محبت به ظواهر و نعمت‌های دنیا است. دلی که از نعمت‌ها و محبت‌های غیر الهی، هرچند مشروع، و حلال، پر شده است، دیگر جایی برای محبت به حق تعالی ندارد.

بیان این روایات نسبت به اجر و ثواب بعضی از اعمال، برای این است که انسان با اختیار خود بعضی از محبت‌ها و محبوب‌ها را کنار بگذارد، و آنچه که در روایات و در زبان معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین آمده است، را انتخاب کند. با اعمال قدرت نمی‌توان کسی را دشمن یا دوست کرد. اگر انسان مقدار کمی عقل و فکر داشته باشد، هنگامی که خود را در برابر اجر و ثواب‌های زیاد که فناپذیر هم نیست می‌بیند، آن محبت‌های فانی را تدریجاً کنار می‌گذارد. کار شیطان این است که می‌خواهد محبت‌های غیر الهی را در دل بنده‌ی خدا زیاد کند که دیگر جایی برای محبت‌های خدایی باقی نماند. کار حق تعالی هم ایجاد و خلق عوامل و اسبابی است که توجه به آن عوامل و اسباب موجب می‌شود روح انسان منعطف به معنویات شود، و به امور مادی خیلی بها ندهد، و در دل خود برای حق تعالی و کارهای خدایی مقداری جا بگذارد. کل دین خدا همین است که انسان مؤمن در این فضا وارد شود.

"إِيَّهَا النَّاسُ" تنها یک خطاب است که شنونده را به فرمایشات گوینده و متکلم متوجه کند. "قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ". هیچ تعبیری ارزش تعبیر "شهرُ الله" را ندارد. با این تعبیر خدای متعال به وسیله‌ی مقام رسالت حجم ارزشی این ماه مبارک را مشخص فرموده است. در بعضی از روایات آمده است که معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین می‌فرماید رمضان یا ماه رمضان نگوئید، بلکه از عبارت ماه مبارک رمضان استفاده کنید. ما در محاورات خود هنگام نام بردن از یک شخصیت ممتاز از تعبیراتی مانند حضرت فلانی، یا جناب فلانی استفاده می‌کنیم. اگر شنونده کم‌ترین مقدار عقل و توجه را داشته باشد از تعبیر "شهرُ الله" می‌فهمد که حجم معنوی این ماه با سایر ماه‌ها فرق دارد.

### تقویت بُعد انسانی، تنها با فاصله گرفتن از لذایذ مادی و حیوانی

در روایاتی که مربوط به حکمت‌های روزه است آمده است که ترک مفطرات مانند خوردن و آشامیدن، که گرسنگی و تشنگی به دنبال دارد موجب به یاد آوردن گرسنگی و عطش روز قیامت است. در این خطبه‌ی شریف و در سایر روایات به این نکته اشاره شده است که تاهنگامی که انسان از لذایذ مادی و حیوانی فاصله نگیرد، بُعد انسانی او تقویت نمی‌شود. اگر انسان تمام وقت خود را به ورزش بپردازد، به عنوان مثال وزنه‌برداری کند تا قهرمان شود، دیگر فرصت ریاضت دادن به نفس خود، و تقویت روح ندارد.

توصیه‌ی دیگران به استفاده‌ی نامحدود از حلال خدا و لذت بردن، بر خلاف حکمت حق تعالی و فرمایشات انبیاء و اولیاء است. قرآن، روایات و عملکرد اولیای خدا با این پیشنهاد صدوهشتاد درجه اختلاف زاویه دارد. یکی از فضائل ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه این بود که به دلیل بیماری مادر بزرگوار ایشان، و نداشتن شیر، تا چهل روز جد بزرگوارشان انگشت در دهان این طفل می‌گذاشتند، تا از آن تغذیه کند. این تغذیه هر دو روز، یا سه روز یک بار انجام می‌شد. این نکته پیام دارد. پیام آن این است که اگر انسان شکم‌پرست نباشد، و او را مبتلا به یک عادت بد نکرده باشند که حتماً روزی سه، یا چهار بار غذا بخورد، اگر دو یا سه روز یک بار هم غذا بخورد کافی است.

کسانی که در سیر و سلوک بودند و می‌خواستند عبادت کنند، همه نوع غذا و هر مقداری که میل داشتند غذا نمی‌خوردند. باباطاهر عریان می‌گوید: ((ریاضت‌کش به بادامی بسازد))، یعنی در بیست‌وچهار ساعت یک مغز بادام می‌خورد. البته معانی دیگری هم برای این شعر بیان شده است. تغذیه‌ی ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه از انگشت جد بزرگوارش کرامت است. بدون چنین باوری انسان نمی‌تواند

از فضای مادیت بیرون بیاید، و موجودی به نام خدای متعال و قدرت او را تصور کند و به توحید برسد. قرآن کریم در این مورد بیانات بسیاری دارد.

بسیاری از افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، غیر از عوامل فیزیکی مادی چیزی را قبول ندارند و قدرت را قدرت فیزیکی و مادی می‌دانند. همه‌ی کتب آسمانی آمده‌اند که به فرزندان حضرت آدم بگویند که دو عالم و دو فضا و دو بُعد وجود دارد: یک بعد، فضای مادی و فیزیکی، و بعد دیگر متافیزیک است. قدرت متافیزیکی غیرعادی و غیرطبیعی، یعنی الهی است و به سادگی قابل تصور نیست. اگر انسان توحید و وجود حق تعالی را تصور کرده باشد، دیگر شک نمی‌کند. بنابراین دو نوع قدرت وجود دارد: طبیعی و غیر طبیعی؛ اما مردم اگر بخواهند چیزی را انکار کنند آن را غیرطبیعی می‌خوانند. افرادی که ادعای توحید و خداشناسی دارند، قدرت و سایر خصوصیات جهان غیر طبیعی، متافیزیکی، و فوق طبیعی را قابل مقایسه با جهان طبیعی نمی‌دانند.

از خلقت حضرت آدم علی‌نبینا و آله‌وعلیه‌السلام تا الان حکمت حق تعالی اقتضا کرده است که به انسانی که یک موجود طبیعی و حیوان بالفعل متولد می‌شود، بگوید غیر از آنچه لمس می‌کنی چیزهایی وجود دارد که با دست تو لمس نمی‌شود. امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه می‌فرماید: خدا را می‌توان دید، اما نه با چشم سر، بلکه با چشم دل. معصوم دیگر صلوات‌الله‌علیه‌مجمعین می‌فرماید: "مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَمَعَهُ". به زمان زیادی نیاز است تا انسانی که غرق در محیط طبیعی است، به نیروی غیرطبیعی هم فکر کند، و گاهی توجه داشته باشد که خدایی هم وجود دارد، که قدرت او قابل تصور نیست. قدرت او متحد با ذاتش است، و چون ذات او نامتناهی است، قدرتش هم نامتناهی است؛ موجود متناهی مانند ما نمی‌تواند نامتناهی را تصور کند. حرکات غیرخدایی و شیطانی بسیاری وجود دارد، که می‌خواهد انسان را از این نوع توجه جدا کند. این خلاصه‌ی جهان خلقت است.

### استفاده از احساسات انسانی برای معرفی دشمنان حق تعالی

در روایات بسیار وارد شده است که اگر آب به کسی بدهید، اجر فراوان دارد. درخواست امور مادی مکروه است اما اگر کسی تشنه باشد و درخواست آب کند، عیبی ندارد. خدای متعال به وسیله‌ی فرمایشات اولیاء سلام‌الله‌علیه‌مجمعین و با استفاده از عواطفی که خلق کرده است، انسان را متوجه می‌کند. به ظاهر همه‌ی افراد جامعه انسان هستند اما در بعضی از برنامه‌ها مشخص می‌شود که چه فردی موحد و خداپرست و بنده‌ی حق تعالی و انسان است و چه فردی انسان نیست.

تعبیر "مِصْبَاحُ الْهُدَى"، در مورد سیدالشهداء صلوات‌الله‌علیه برای سایر معصومین صلوات‌الله‌علیه‌مجمعین ذکر نشده است، هرچند ما یقین داریم که معصومین در زمان خود، از هر جهت هدایتگر بوده‌اند. بهترین تعبیرات در این مورد در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است. تنها شیعه هنگام ذبح یک حیوان حلال گوشت به آن آب می‌دهد. این امر واجب نیست، یعنی بدون آب دادن حیوان میته نمی‌شود، ولی فطرت انسان آن را تایید می‌کند و در روایات فضیلت آن ذکر شده است.

صفحات تاریخ نشان می‌دهد افرادی که با فطرت و احساسات انسان‌ها می‌جنگیدند، انسان نبودند. کسی که انسان نیست، نمی‌تواند مربی انسان باشد. همه‌ی معصومین صلوات‌الله‌علیه‌مجمعین از انبیاء و ائمه تلاش کرده‌اند که مردم این نکته را بفهمند. اجرا برنامه‌ی کربلا موجب شد که این نکته هرگز فراموش نشود. هر مقدار که دقت کنیم، باز نمی‌توانیم عمق صحنه‌ی کربلا را درک کنیم.

یکی از مصائب کربلا که جزء مصائب کوچک آن است، مسئله‌ی منع کردن آب از روز هفتم به بعد است. ((لَا يَذُوقَنَّ قَطْرَةً)). اجازه نده که این افراد یک قطره هم آب بخورند. بدین ترتیب حتی غیر شیعه از مسیحی‌ها، از کلیمی‌ها، از انسان‌های لامذهب هم وقتی این قطعات تاریخ کربلا را بشنوند، و احتمال بدهند واقعیت داشته باشد، دل‌شان می‌سوزد. ما با شنیدن فجایع انسانی ناراحت می‌شویم، هرچند برای جلوگیری از آن امکانی وجود نداشته باشد.

عطش کربلا یک عامل توجیهی است که هر انسانی را که از انسانیت و عواطف انسانی بهره داشته باشد، را متوجه می‌کند که این گروه بر حق بوده‌اند، و دشمنان آن‌ها باطل بوده و انسان نبوده‌اند. ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه در آخرین لحظه‌ی از عمر خود اظهار تشنگی کردند و مشابه این اظهار در جای دیگر هرگز از ایشان نقل نشده است. نقل کرده‌اند که ایشان در حال مناجات با حق تعالی، برای توجه انسان‌ها به این نکته می‌فرمودند: "إِسْقُونِي شَرْبَةً مِنْ الْمَاءِ". اگر کسی بگوید که این روایت ضعیف است، زیرا هنگامی که حضرت در حال جان دادن در راه خدا است چنین بیانی جایگاه ندارد، اشتباه کرده است. ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه می‌خواهند با این بیان به دنیا اعلام کنند که کسانی اقدام به جنگ با من کرده‌اند و من را وادار به دفاع از خود کردند، حتی آب را از من دریغ داشتند. چنین فردی نمی‌تواند ادعا کند که انسان هستند و جانشین مقام رسالت هستند. انسان به عنایت خدای متعال می‌فهمد که کنار گذاشتن این روایت، به دلیل ضعف سند اشتباه است و کسانی که چنین فکر می‌کنند در آینده به اشتباه خود پی خواهند برد.